



Killer Beat

تیم ترجمه وادیت الولی سکاوی تقدیم می کند

Uploader: *elik*

translator: *Shoku*

editor: *Shiva & Nari*

director: *mioka*

Aoi Sekai





کشتنده ضربه‌ی

چیتز: ۱۵

ننق

درد می‌کنه؟

ننق

یکم
قلقلکم میاد، ولی
مشکلی نیست...



تنها چیزی که
مهمه اینه که مشکلی
نداشته باشی.

اوه، حالا كه بهش
فكر مي كنم -

آخ

آه

معمولا بيشتر مردم اين رو رد
نمي كنن و روي اين كه خودشون،
خودشون رو تميز كنن پافشاري
نمي كنن؟ مثل اون چان.

اين يارو
زيادي آرومه.

اگه اون چان بود، تا حالا كلي
داستان درست كرده بود.



نه، خانم نابی،
برای شما، مردها
بیشتر مثل دام
هستن، هاه؟

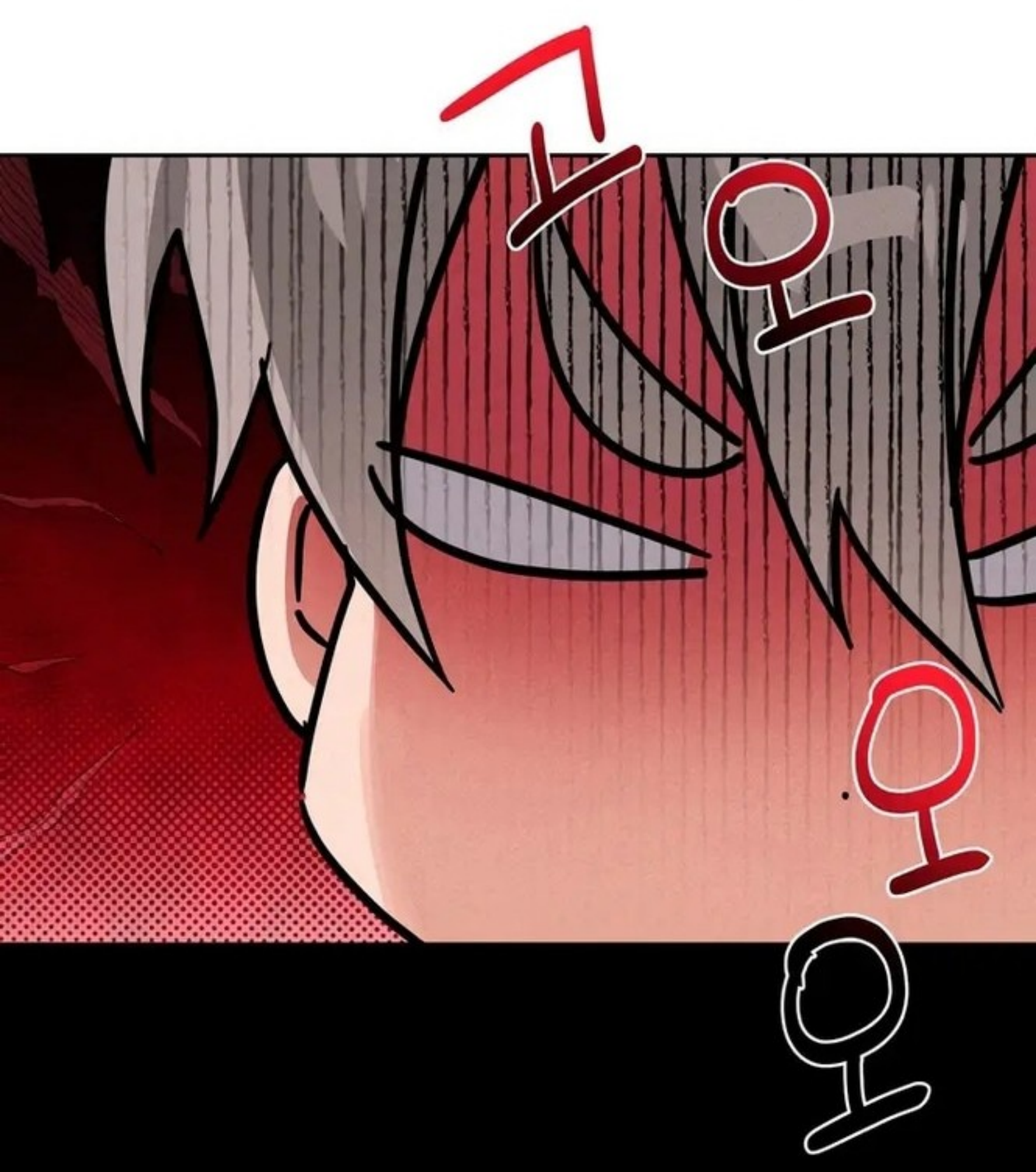


چی؟

تو دقیقا از
کجا می دو-

تو دقیقا از
کجا می دو-

[illegible]



برای توضیح دادن این که چرا
کانگ اون چان - کسی که
قرار بود مراقب خونه باشه -
یکهو بی وارد سالن شد،

باید به امروز
صبح برگردیم.



اون چان، باز
کجا رفتی؟



نونا!

من همین
جام!

앗~!

بعد از همه اتفاق هایی که
دیشب افتاد نابی که با یه آدم
عادی متفاوت بود نتوانست به
خوبی بار احساسی رو تحمل
کنه ...

دیسب چه
اتفاقی افتاد؟

حالا هرچی،
باید برم سرکار.

نونا.

هوم؟

بدون صبحونه
داری می‌ری؟

هوم؟ اوه... خب...
تو گشنه‌ای؟

اگه تو می‌خوای
چیزی بخوری، من
هم می‌خورم.

چی باید بخوریم...؟
شاید من فقط باید
تورو بخو-



پ- پس ...

لطفا آروم
انجامش بده...



ا.ه.

داره دیرم می شه.
باید برم. مراقب
خونه باش.



الان؟



اگه حوصله ات سر
رفت ... هر کاری دلت
خواست بکن.



타타





اتاق نونا!

می‌تونم یه نگاه
بندازم... درسته؟

اون گفت که می‌تونم
هرکاری بکنم...!

قرار نیست
وسایلس روزیرو رو
کنم، یا یه همچین
چیزی...

فقط یه نگاه به کتاب های
روی طاقچه می‌اندازم...

یا شایدم ملافه هارو بو کنم...





من یه هیولانیستم. یه
توله سگ بسمکی ام.

?





ها...!



عطرش...

AS

خیلی خوبه...



حتی آه بوی خیلی
خوبی هم داشته باشه
نباید خود ارضایی کنم.

بوم

حتی آه هم بکنم
باید بایه اجازه درس
حسابی باشه ...

다지

مثلاً... جلوی چشم
خودش باشه...

می خوام کیرم رو
لمس کنم. کاش اون
واسم لمسش می کرد.

اومف

نوق

자라

음

자라

آه

자라

음

می خوام که باهام
خشن باشه...

مالیدن

مالیدن

آه می شه ...



می خواستم که بهم
یه قلاده ببندد ...

آه، من نباید
همچین کاری بکنم ...

ولی بدجوری دلم
می خواد لمسش کنم ...

آه من فقط -

آه

آه

نو... نونا...





فکر می کنی چرا؟
مغزت توی همین
چند روز گندیده؟

تو اونطوری غیبت زد،
پس من هم اومدم که
تورو پیدا کنم.

وقت ندارم،
پس می رم سر
اصل مطلب.

دارم از این شهر
می رم، و هیچوقت قرار
نیست برگردم.

این آخرین فرصت
برای بیرون زدن.
میای یا نه؟

죽다-

نمیام.





داری از نونا
فرار می‌کنی؟

قطعاً. اگه
نمردی، یه زنگ
به‌م بزن.

اگه می‌خوای باهام
در ارتباط باشی، برو
سراغ نونا. اون الان
صاحب منه.

د آخه روانی...
به هرحال، من
دارم می‌رم.

وایسا، هیونگ.

این بار چیه؟
نظرت عوض شد؟

نه، من فقط یه
سوال دارم...

این که...

هیونگ، تو...
حامله ای؟

?

...هاه؟

سلام

این فایلی که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoi Sekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)